



جامع ترین راهنمای

فارسی عمومی

آموزدها و دانش های ادبی؛

همراه با معنی و مفهوم و نکته های درسی
همراه با پاسخ نامه کمال تشریحی

ویژه دانشجویان و دانش پذیران مقطع کارشناسی کلیه رشته ها

آزمون های ادواری فراگیر پیام نور و تست های تألیفی

سرشناسه	: اشرفی، علیرضا، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: جامع‌ترین راهنمای فارسی عمومی: آموزه‌ها و دانش‌های ادبی... ویژه دانشجویان و دانش‌پذیران مقطع کارشناسی کلیه رشته‌ها/ مولف علیرضا اشرفی.
مشخصات نشر	: تهران: آراء سبز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۸ ص؛ ۲۲×۲۹ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۱۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر راهنمای کتاب «فارسی عمومی (کلیه رشته‌ها غیر از زبان و ادبیات فارسی)» تالیف گروه مولفان دانشگاه پیام نور است.
عنوان دیگر	: فارسی عمومی (کلیه رشته‌ها غیر از زبان و ادبیات فارسی).
موضوع	: ادبیات فارسی -- آموزش برنامه‌ای
موضوع	: ادبیات فارسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	: ادبیات فارسی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
موضوع	: فارسی -- آموزش برنامه‌ای
موضوع	: فارسی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
شناسه افزوده	: دانشگاه پیام نور
رده بندی کنگره	: IRI/۳۳۳۱/ف۲۴۶۲۱۷ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۷۶/فا۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۲۳۸۴۵



مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
قوی‌ترین مجری برگزاری کلاس‌های آمادگی (دانش‌پذیری - دانشجویی) پیام نور

نام کتاب	: جامع‌ترین راهنمای فارسی عمومی
ناشر	: فرزاد دانشور
مؤلف	: علیرضا اشرفی
طراح جلد	: شیرین حیدری مقدم
صفحه‌آرا	: آرش فکری
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	: چاپ اول
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۱۲-۱
قیمت	: ۱۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروژ - پلاک ۲۰

تلفن: ۶۶۴۱۱۶۲۶ - ۶۶۴۱۴۸۴۸

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

مقدمه ناشر

موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش در حال حاضر فعالیت گسترده‌ای در حوزه برگزاری دوره‌های آمادگی آزمون‌های، فراگیر پیام‌نور، کارشناسی ارشد، دکترا و ... انجام می‌دهد اما از سال ۱۳۸۹ بر آن شدیم تا همانطور که در برگزاری دوره‌های تخصصی حقوق از برترین اساتید بهره گرفته شده، جهت تالیف کتب آموزشی و کمک آموزشی نیز از زبده‌ترین مولفین با جدیدترین متد آموزشی دعوت به عمل آید تا با تالیف کتب مورد نیاز جامعه حقوقی نقش کوچکی در ارتقای سطح کیفی فعالیت‌های آموزشی داشته باشیم.

با تشکر
فرزاد دانشور

مقدمه مؤلف

با عنایت حق سبحانه تعالی که راه‌گشای طریق بندگان است توفیق یافتیم شرح و توضیحی نسبتاً جامع با توجه به آزمون فراگیر پیام نور از کتاب فارسی عمومی بعد از چندین دوره تدریس این کتاب داشته باشیم. هدف از این شرح رهنمونی دانشجویان فراگیر دانشگاه پیام نور در درس ادبیات عمومی به دوره کارشناسی می‌باشد. کتاب حاضر بارها به زیور طبع آراسته و در راستای مطالعه جامع کار را برای دانشجویان گرامی آسان نموده چرا که عبارات مهم و درخور توجه در مواد آزمون سطر به سطر مورد نظر مؤلف قرار گرفته است و با دقت لازم شرح شده‌اند و اگر با ژرف‌نگری خوانده شود می‌توان گفت دانشجویان به بیشتر پرسش‌های هر درس می‌توانند پاسخ درست بدهند و این یکی از راههای موفقیت است.

تنظیم مطالب به گونه‌ای است که از اتلاف وقت و سردرگمی خوانندگان جلوگیری می‌شود هر چند این نوشته می‌توانست حجم بیشتری را به خود اختصاص دهد اما هدف آزمون فراگیر دانشگاه پیام نور است و چیزی اضافه بر آن موجب اطاله وقت و خستگی خوانندگان می‌شود.

شیوه تنظیم مطالب به این صورت است که ابتدا نکات مهم تاریخ ادبیات و توضیح معانی و ترکیب‌های هر درس آورده شده و قسمت بعد به شرح آموزه‌ها و دانش‌های ادبی متون اختصاص داده شده است و دست آخر معانی و مفهوم اشعار و متون نثر قدیم آورده شده است.

توصیه بنده به دانشجویان گرامی این است که ابتدا در مورد معانی اشعار خود تأمل کند و تا حدودی به وسیله حدس هوشمندانه معانی را دریابد که این شیوه به درک مفاهیم اشعار کمک شایانی خواهد کرد.

پایان هر درس آزمون‌های ۸۶-۸۱ و در انتهای کتاب آزمون‌های ۹۰-۸۷ به همراه پاسخ نامه تشریحی قرار گرفته است و توصیه می‌شود که دانشجویان پس از اتمام مطالعه هر درس بدون توجه به پاسخ‌ها تست‌ها را پاسخ دهند و برای تصحیح و یادگیری کامل به قسمت پاسخ‌نامه تشریحی مراجعه کنند.

در انتهای کتاب شرح و توضیح کامل دانش‌های ادبی که شامل دستور زبان و آرایه‌های ادبی می‌باشد آمده است. توصیه بنده به دانشجویان این است که در ابتدا با دقت کافی این بخش را مطالعه کنند و بعد به مطالعه درس‌ها بپردازند.

در پایان از دوستان گرانقدر که در شرح این اثر مرا یاری کردند و همکاران محترم انتشارات آراء سبز که متحمل زحمتی فراوان شدند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

با آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون

علیرضا اشرفی

alirezaashrafi110@yahoo.com

www.ashrafi-pnu.blogfa.com

فهرست مطالب

بخش اول: شرح درس

۱۰«فردوسی»	درس اول:
۱۰ الف) به نام خداوندجان و خرد.....	
۱۲ ب) فردوس طوسی	
۱۴ ج) کشته شدن سهراب به دست رستم	
۲۵ خودآزمایی درس اول	
۲۷ پاسخنامه تشریحی	
۲۹ م بهار	درس دوم:
۲۹ «آرمان شاعر»	
۳۵ خودآزمایی درس دوم	
۳۶ پاسخنامه تشریحی	
۳۸ مهدی اخوان ثالث (م. امید).....	درس سوم:
۳۸ «زمستان»	
۴۲ خودآزمایی درس سوم	
۴۳ پاسخنامه تشریحی	
۴۴ «نامه‌یی به پسر»	درس چهارم:
۴۵ خودآزمایی درس چهارم	
۴۵ پاسخنامه تشریحی	
۴۶ «کنایه، مجاز، مثل، تشبیه و استعاره».....	درس پنجم:
۴۷ خودآزمایی درس پنجم	
۴۷ پاسخنامه تشریحی	
۵۱ الف) «منتخباتی از صائب تبریزی»	درس ششم:
۵۵ ب) جامی	
۵۵ «یاد روی تو»	
۵۶ خودآزمایی درس ششم	
۵۸ پاسخنامه تشریحی	
۵۹ الف) نصرالله فلسفی: «صفات یعقوب لیث».....	درس هفتم:
۶۰ ب) عنصرالمعالی کیکاووس: «دو صوفی».....	
۶۰ خودآزمایی درس هفتم	
۶۱ پاسخنامه تشریحی	
۶۳ الف) شهید آیت‌الله مرتضی مطهری: «عرفان و تصوف».....	درس هشتم:
۶۴ ب) شمس تبریزی: «سماع».....	
۶۵ ج) از رساله‌های خواجه: «از رساله‌های خواجه»	
۶۶ د) رشیدالدین میبدی: «عشق و ایمان»	
۶۷ هـ) اسرارالتوحید: «بهترین آفریدگان»	
۶۸ و) علامه محمد حسین طباطبایی: «دستی از غیب برون آید کاری بکند».....	
۶۹ «مهر خوبان»	
۷۱ خودآزمایی درس هشتم	

۷۳ پاسخنامه تشریحی	
۷۵ الف) عبدالحسین زرّین کوب: «درباره مثنوی»	درس نهم:
۷۶ ب) مولانا جلال‌الدین بلخی: «رازداری»	
۷۷ «دنیا»	
۷۸ «نطق»	
۷۹ «هدف»	
۸۰ «اگر نکاری ندروی»	
۸۲ «مَثَل»	
۸۲ ج) «آرزوی باغ و گلستان»	
۸۷ «ای عاشقان»	
۹۰ خودآزمایی درس نهم	
۹۲ پاسخنامه تشریحی	
۹۴ جلال آل احمد	درس دهم:
۹۴ «چند نکته درباره‌ی مشخصات کلی ادبیات معاصر»	
۹۶ خودآزمایی درس دهم	
۹۷ پاسخنامه تشریحی	
۹۹ ملک‌الشعراى بهار	درس یازدهم:
۹۹ «آرمان شاعر»	
۱۰۱ شعر خوب «قسمت دوم»	
۱۰۴ خودآزمایی درس یازدهم	
۱۰۴ پاسخنامه تشریحی	
۱۰۵ الف) شهریار: «انتظار»	درس دوازدهم:
۱۰۸ ب) شعر چیست؟	
۱۱۲ خودآزمایی درس دوازدهم	
۱۱۳ پاسخنامه تشریحی	
۱۱۵ نیمایوشیج	درس سیزدهم:
۱۱۵ «خانه‌ام ابری است»	
۱۱۷ «داستانی نه تازه»	
۱۱۸ «آی آدمها!»	
۱۲۱ خودآزمایی درس سیزدهم	
۱۲۱ پاسخنامه تشریحی	
۱۲۲ سهراب سپهری	درس چهاردهم:
۱۲۲ «غربت»	
۱۲۴ خودآزمایی درس چهاردهم	
۱۲۴ پاسخنامه تشریحی	
۱۲۵ الف) دهخدا: «یاد آرزو شده یاد آر»	درس پانزدهم:
۱۲۹ ب) ابوریحان بیرونی	
۱۳۲ خودآزمایی درس پانزدهم	
۱۳۳ پاسخنامه تشریحی	
۱۳۴ الف) دکتر منوچهر مرتضوی: «حافظ»	درس شانزدهم:
۱۳۷ ب) خواجه شمس‌الدین محمد حافظ: «بار امانت»	
۱۳۹ «نظر کیمیا»	
۱۴۱ «حافظ خلوت‌نشین»	

۱۴۳ خودآزمایی درس شانزدهم	
۱۴۵ پاسخنامه تشریحی	
۱۴۷ نظامی گنجوی	درس هفدهم:
۱۴۷ الف) «داستان پیر خشتزن»	
۱۵۰ ب) فریاد روز افزون	
۱۵۱ خودآزمایی درس هفدهم	
۱۵۱ پاسخنامه تشریحی	
۱۵۲ الف) غزلیات سعدی: «در رحمت»	درس هجدهم:
۱۵۴ «بی مهر و وفا»	
۱۵۶ «بوستان سعدی» «فضیلت خاموشی»	
۱۶۱ ب) از مجالس سعدی	
۱۶۴ ج) گلستان سعدی: «حکایت»	
۱۶۶ خودآزمایی درس هجدهم	
۱۶۹ پاسخنامه تشریحی	
۱۷۰ الف) دکتر اسلامی ندوشن: «یک سرنوشت ممتاز»	درس نوزدهم:
۱۷۱ ب) ابوالفضل بیهقی: «ذکر بر دار کردن امیر حسنک وزیر»	
۱۷۷ خودآزمایی درس نوزدهم	
۱۷۹ پاسخنامه تشریحی	
۱۸۰ محمد غزالی: «نامه به سلطان»	درس بیستم:
۱۸۱ دکتر شریعتی: «مشعر»	درس بیست و یکم:
۱۸۲ الف) ناصر خسرو: «لحسا»	درس بیست و دوم:
۱۸۲ «ناصر خسرو»	
۱۸۳ ب) خلق یکسره نهال خدایند	
۱۸۶ خودآزمایی درس بیست و دوم	
۱۸۷ پاسخنامه تشریحی	
۱۸۸ «پروین اعتصامی»	درس بیست و سوم:
۱۸۸ «دیوانه و زنجیر»	
۱۹۰ خودآزمایی درس بیست و سوم	
۱۹۱ پاسخنامه تشریحی	
۱۹۳ الف) و ب: «مروری بر مکتب‌های ادبی»	درس بیست و چهارم:
۲۰۱ خودآزمایی درس بیست و چهارم	
۲۰۳ پاسخنامه تشریحی	
۲۰۵ الف) ویکتور هوگو	درس بیست و پنجم:
۲۰۵ ب) بورگل: «نظری به فضای بیکران»	
۲۰۶ ج) ترجمه تفسیر طبری: «قصه آفریدن آدم (ع)»	
۲۰۷ د) هزار و یک شب	
۲۰۷ خودآزمایی درس بیست و پنجم	
۲۰۸ پاسخنامه تشریحی	
۲۰۹ عبید زاکانی	درس بیست و ششم:
۲۰۹ لطیفه	
۲۱۱ عباس اقبال: «دانشمند واقعی و معرفت حقیقی»	درس بیست و هفتم:
۲۱۳ خودآزمایی درس بیست و هفتم	
۲۱۴ پاسخنامه تشریحی	

۲۱۵	درس بیست و هشتم: حسینعلی راشد: «جمال و حکمت»
۲۱۶	خودآزمایی درس بیست و هشتم
۲۱۶	پاسخنامه تشریحی
۲۱۷	درس بیست و نهم: «دکتر شهیدی»
۲۱۸	خودآزمایی درس بیست و نهم
۲۱۸	پاسخنامه تشریحی
۲۱۹	درس سی‌ام: «اقبال لاهوری»: «دگر آموز»
۲۲۱	خودآزمایی درس سی‌ام
۲۲۱	پاسخنامه تشریحی
۲۲۲	درس سی و یکم: ابن‌یمین: «توقع از دونان»
۲۲۳	«بار آسان»
۲۲۳	خودآزمایی درس سی و یکم
۲۲۳	پاسخنامه تشریحی
۲۲۴	درس سی و دوم: خواجه نظام‌الملک: «کمال خردِ مرد»
۲۲۴	خودآزمایی درس سی و دوم
۲۲۵	پاسخنامه تشریحی
۲۲۶	درس سی و سوم: دکتر معین: «زبان از نظر روانشناسی»
۲۳۱	خودآزمایی درس سی و سوم
۲۳۱	پاسخنامه تشریحی
۲۳۲	درس سی و چهارم: نام‌ی از قائم مقام
۲۳۳	خودآزمایی درس سی و چهارم
۲۳۳	پاسخنامه تشریحی
۲۳۴	درس سی و پنجم: واعظ کاشفی: «صحبتِ آخیر»
۲۳۶	درس سی و ششم: ۱. روش دیویی یا روش ددهی ۲. روش کنگره
۲۴۸	خودآزمایی درس سی و ششم
۲۴۹	پاسخنامه تشریحی

بخش دوم: دانش‌های ادبی

۲۵۱	دستور زبان
۲۷۷	آرایه‌های ادبی

بخش سوم: آزمون‌ها

۲۹۲	«فارسی عمومی آزمون دوره فراگیر مرداد ماه ۱۳۸۷»
۲۹۶	«فارسی عمومی آزمون دوره فراگیر مرداد ماه ۱۳۸۸»
۲۹۹	«فارسی عمومی آزمون دوره فراگیر اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹»
۳۰۲	«فارسی عمومی آزمون دوره فراگیر اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰ - مرحله اول»
۳۰۵	«فارسی عمومی آزمون دوره فراگیر دی‌ماه ۱۳۹۰ - مرحله دوم»

بخش اول

شرح درس اول تا سی و ششم

-
- ◀ معنی و توضیح واژه‌ها و ترکیب‌ها
 - ◀ آموزه‌ها و دانش‌های ادبی
 - ◀ معنی، مفهوم و پیام ابیات
 - ◀ خودآزمایی
 - ◀ پاسخنامه تشریحی خودآزمایی
-



فردوسی

الف) به نام خداوند جان و خرد

قالب شعر: مثنوی

معنی و توضیح واژه‌ها و ترکیب‌ها

<p>یک سو: بر کنار. گفتار بیکار: سخن بیهوده. فرمان: دستورات الهی (قرآن). پرده: عالم آفرینش، پرده آفرینش</p>	<p>مهر: خورشید گوهران: عناصر و اجسام که می‌بینیم برگزینند: انتخاب کند. خستو: معترف، اقرار کننده.</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

آموزه‌ها و دانش‌های ادبی

۱. به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه بر نگذرد
- این بیت دارای آرایه مراعات نظیر (تناسب) بین کلمات جان و خرد می‌باشد
◀ **معنی و مفهوم:** سخن را با نام آفریننده‌ی این دو گوهر گران بها (جان و خرد) آغاز می‌کنم، زیرا که فکر و اندیشه انسان فراتر از این نمی‌تواند صفتی برای خداوند بیابد که خداوند آفریننده‌ی جان و خرد است و این دو گوهر گرانبها بالاترین نعمتی می‌باشد که او آفریده است.
۲. خداوند نام و خداوند جای
خداوند روزی ده رهنمای
- بین کلمات خداوند آرایه تکرار وجود دارد.
- روزی ده و رهنمای هر دو صفت فاعلی مرکب می‌باشند. (بن مضارع + نده) پسوند نده از آخر این دو کلمه افتاده است.
◀ **معنی و مفهوم:** و به نام خداوندی که صاحب هر نام شایسته و صاحب جهان هستی است و خداوندی که روزی دهنده و راهنمای ما به راه راست بوده است، سخن را آغاز می‌کنم.
۳. خداوند کیهان و گردان سپهر
فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر
- گردان سپهر: اضافه وصفی مقلوب (سپهر گردان).
- بین کلمات ماه و ناهید و مهر آرایه مراعات نظیر وجود دارد.
- فروزنده: صفت فاعلی (بن مضارع + نده)
◀ **معنی و مفهوم:** و سخن را با نام خداوند که زمین و آسمان را به وجود آورده و خداوندی که روشنایی بخش ماه، ستارگان و خورشید است، آغاز می‌کنم.
۴. زنام و نشان و گمان برتر است
نگارنده‌ی بر شده گوهر است.
- «بر شده گوهر» اضافه وصفی مقلوب (گوهر بر شده)
- گوهر بر شده مقصود جوهر علوی است که آسمان و فلک باشد
◀ **معنی و مفهوم:** و خداوند، آفریدگاری ست که از شناخته شدن به اسم و رسم و از گنجیدن در فهم و پنداشت و خیال انسان برتر است و اوست که این آسمان و فلک (بر شده گوهر) را به زیبایی آفریده است.



۵.

به بینندگان آفریننده را نبینی، مرنجان دو بیننده را

- این بیت تلمیح دارد به آیه ۱۰۳ سوره انعام «لا تدركه الابصارُ و هو يُدركُ الابصار و هو اللطيف الخبير» دیدگان او را درنیابند و او دیدگان را دریابد و او لطیف آگاه است.



برخی از فرقه‌های اسلامی از جمله اشاعره اعتقاد به رؤیت خداوند در آخرت دارند، معتزله و شیعه این مسأله را انکار می‌کنند.

◀ **معنی و مفهوم:** خداوند را با چشم نمی‌توان دید، پس چشمان خود را بیش از این آزار نده.

* توضیح: (با توجه به این بیت فردوسی شیعه و معتزلی است چرا که منکر رؤیت خداوند شده است.)

۶.

نیابد بدو نیز اندیشه راه

که او برتر از نام و از جایگاه

۷.

سخن هر چه زین گوه‌ران بگذرد

نیابد بدو راه جان و خرد

* توجه: این بیت با بیت ۶ هم مفهوم است

- بین کلمات جان و خرد آرایه مراعات نظیر وجود دارد

◀ **معنی و مفهوم:** فکر بشر به ذات و هستی او پی نمی‌برد، زیرا او بالاتر از هر نام و مکانی است که در فکر محدود بشر بگنجد، چرا که جایگاهی برای او نمی‌توان در نظر گرفت.

◀ **معنی و مفهوم:** هر چقدر درباره‌ی این عناصر و اجسام مادی (گوه‌ران) سخن گفته شود، و از مرزهای شناخت آن بگذرد، هرگز روح و فکر (جان و خرد) انسان به ذات و هستی او پی نخواهد برد.

۸.

خرد گر سخن بر گزیند همی

همان را گزیند که بیند همی

* توجه: این بیت با بیت ۷ هم مفهوم است

- مفهوم: سخن گفتن خرد تنها در مورد محسوسات است.

◀ **معنی و مفهوم:** عقل و خرد انسان تنها به چیزی پی می‌برد که آن چیز قابل رؤیت باشد و چون خداوند قابل رؤیت نیست، پس عقل بدو راه ندارد.

۹.

ستودن نداند کس او را چو هست

میان بندگی را ببايدت بست

- نداند: نمی‌تواند.

- میان بندگی بستن: آماده شدن برای خدمت و فرمانبرداری کردن.

- میان بستن: کنایه از آماده شدن

◀ **معنی و مفهوم:** هیچ کس خداوند را چنان که هست نمی‌تواند ستایش کند، پس باید کمر بندگی بندد و خود را بنده‌ی او بداند.

۱۰.

خرد را و جان را همی سنجد او

در اندیشه‌ی سخته کی گنجد او

- در این بیت استفهام انکاری وجود دارد جواب این نوع سؤال همیشه منفی است؛ یعنی خداوند در فکر بسته انسان نمی‌گنجد.

* توجه: این بیت با بیت ۷ هم مفهوم است



همی سنجد: «همی» علامت فعل استمراری که اکنون به صورت «می» به کار می‌رود

◀ **معنی و مفهوم:** خداوند، خرد و جان را به میزان ظرفیت و استعداد هر کس بدو می‌دهد، پس چگونه ممکن است خود او در اندیشه‌ی محدود و بسته‌ی انسان بگنجد؟

۱۱.

بدین آلت و رای و جان و روان

ستود آفریننده را چون توان

- بین کلمات رای و جان و روان آرایه مراعات نظیر وجود دارد



ستود: در معنای ستودن مصدر مرخم است نون آن حذف شده اما هنوز معنای مصدری دارد.



- در این بیت استفهام انکاری وجود دارد.

◀ **معنی و مفهوم:** با این ابزار مادی شناخت و با این فکر و اندیشه و روح ناچیز و محدود بشر، چگونه می‌توان خداوند را آنطور که شایسته است، ستایش نمود.

۱۲. به هستیش باید که خستو شوی ز گفتار بیگار یک سو شوی

* توجه: این بیت نتیجه ابیات بالا می‌باشد.

- هستیش: مرجع ضمیر «ش» خداوند می‌باشد، نقش آن مضاف الیه (هستی او)

◀ **معنی و مفهوم:** باید که به وجود و هستی خداوند اعتراف نمایی و از گفتن سخنان بیهوده بر کنار باشی.

۱۳. پرستنده باشی و جوینده راه به فرمان‌ها ژرف کردن نگاه

- پرستنده و جوینده: صفت فاعلی.

- ژرف نگاه کردن: کنایه از با دقت نگاه کردن.

- در مصراع اول فعل باشی در جمله دوم حذف به قرینه لفظی شده است. جوینده راه باشی.

◀ **معنی و مفهوم:** باید که بنده‌ی او و جست و جوگر راه او باشی و باید که دستورات و فرمان‌های خداوند را عمیق بنگری و دقیق به کار بندی.

۱۴. توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

- بین کلمات «دانا و دانش» جناس استقافی وجود دارد.

- بیت اکنون به عنوان ضرب المثل به کار می‌رود. به آن آرایه تمثیل گفته می‌شود.

- بین کلمات «پیر و برنا» آرایه تضاد وجود دارد.

◀ **معنی و مفهوم:** هر کسی که علم و دانش داشته باشد انسان توانایی خواهد بود و به واسطه‌ی علم و دانش دل‌های پیر جوان و شاداب می‌شود.

۱۵. از این پرده برتر سخن گاه نیست به هستش اندیشه را راه نیست

* توجه: مصرع اول با بیت ۸ و مصرع دوم با بیت ۷ هم مفهوم است

◀ **معنی و مفهوم:** وقتی سخن انسان جایگاهی برای ورود به عالم غیب ندارد، پس فکر و اندیشه‌ی بشر نیز بر ذات و چگونگی او راه نمی‌یابد.

ب) فردوسی طوسی

مروری بر تاریخ ادبیات

مجتبی مینوی

- پژوهشگر بزرگ در سال ۱۲۸۴ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات خود را در تهران، سامرای عراق و لندن به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۵ شمسی در تهران درگذشت.
- مشاغل مینوی: ریاست کتابخانه ملی، ریاست تعلیمات عالییه وزارت فرهنگ، رایزن فرهنگی در ترکیه.
- استاد دانشگاه تهران، عضو فرهنگستان ادب و هنر، مسئولیت علمی بنیاد شاهنامه، مرحوم مینوی تا پایان عمر در بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی خدمت می‌کرد
- از خدمات مهم: تهیه‌ی فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه چستر بییتی (در دوبلن - ایرلند)
- آثار مینوی: تصحیح دیوان ناصر خسرو با همکاری دکتر مهدی محقق
تصحیح مصنفات بابا افضل کاشانی با همکاری دکتر یحیی مهدوی
تصحیح کلیله و دمنه، نوروز نامه‌ی خیام، دیوان عیون الحکمه ابن سینا
سیرت جلال الدین منکبرنی، وقف نامه ربیع رشیدی
تالیف پانزده گفتار از ادبای اروپا و فردوسی و شعر او



معنی و توضیح واژه‌ها و ترکیب‌ها

مَنَابِرُ: جمع مَنبر، کرسی دارای یک یا چند پله که واعظ روی آن نشیند و وعظ کند.

به خاطر خطور کردن: از ذهن گذشتن.

سیف‌الدَّوْلَه: لقب محمود غزنوی.

مبادرت کردن: اقدام کردن به کاری.

متوقع بودن: انتظار داشتن، امید داشتن.

حِرمان: نومیدی.

ابوالعباس فضل بن احمد: وزیر محمود غزنوی.

احمد بن حسن میمندی: وزیر محمود غزنوی.

رؤیت: دیدن، دیدار. معتزله می‌گویند که خداوند را در آخرت نمی‌توان دید.

اهل سنّت: سَنّیان، فرقه‌یی از مسلمانان که قائل به خلافت ابوبکر و جانشینان اویند.

مُعْتزَلِی: منسوب به معتزله، معتزله فرقه‌یی که در اواخر بنی امیّه ظهور کردند. مؤسس این فرقه واصل بن عطا از شاگردان حسن بصری است. پیروان این فرقه را «عدلی مذهب» هم می‌گفتند.

قرمطی: منسوب به حَمْدان اشعث، از مردم خوزستان، دعوت فرقه‌ی اسماعیلیّه، به وسیله‌ی او در میان پیروانش به کمال رسید. در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری در ایران و عراق مبارزه‌یی سخت علیه اسماعیلیّه و قرمطیان آغاز شد.

ندانستن: نتوانستن.

دست بُردن: تَصَرّف کردن، تغییر دادن.

الحاق کردن: پیوستن.

حاکی: بیانگر، بیان کننده، حکایت کننده.

حسودان: جمع حسود، بدخواه.

هَجْوُ: معایب کسی را بر شمردن، نکوهیدن به شعر.

ابن اسفندیار: مورّخ قرن ششم و هفتم و مؤلّف تاریخ طبرستان که از زندگانی او اطلاعی در دست نیست.

نظامی عروضی: مؤلّف چهار مقاله، نظامی در نیمه‌ی دوم قرن ششم در گذشته است.

پیمان‌های عمر او لبریز شد: عمرش به پایان رسید.

حدس: گمان بردن.

گَنیّه: نامی که در آغاز آن «ابو»، «ابی»، «ابن»، «أم» یا «بنت» باشد: ابوالقاسم.

صله: عطیّه، بخشش، جایزه، بخششی که بزرگان به شاعران می‌دادند.

مُتَبَقِّن: به یقین دانسته، بی شبهه.

تقریب: سخن گفتن چنانکه به مطلوب نزدیک باشد.

تخمین: به گمان سخن گفتن، به حدس گرفتن.

مُسْتَبَعِد: آنچه عقلاً دور نماید.

فَلّاح: کشاورز.

دهقان: نجیب زاده‌ی مَلّاک و اهل معرفت، آشنا به اوضاع اداری و آیین مملکت داری.

مَلّاک: کسی که املاک زیاد داشته باشد.

مَرْجِع: محلّ مراجعه، کسی که مردم در کارهای خود به آن مراجعه می‌کنند.

دعاوی: جمع دعوی، دادخواهی، تظلم،

مرافعات: جمع مرافعه، شکایت نزد حاکم یا قاضی بردن.

فیصله دهنده: حلّ و فصل کننده.

منازعات: جمع منازعه، نزاع کردن، ستیزه.

منال: در آمد املاک و اراضی.

خَرّاج: مالیات.

اهل دیوان: دولتمردان.

از مایه خوردن: از سرمایه خوردن.

بی بضاعت: فقیر، مستمند، کم سرمایه.

نسخه برداشتن: از روی کتابی نوشتن.

بالنسبه: تا حدّی، نسبتاً.

شاهان سامانی: سامانیان، سلسله‌یی که از ۲۶۱ هـ تا ۳۸۹ هـ در خراسان و ماورالنهر و بخشی از ایران مرکزی حکومت داشتند.

مُلزم ساختن: وادار کردن.

سگّه زدن: فلزی را به صورت سگّه در آوردن و نام پادشاهی را بر آن نقش کردن.



مروری بر نکات مهم درس

- فردوسی شاعری از ناحیه طوسی با کنیه ابوالقاسم که مابین ۳۲۵ یا ۳۲۹ متولد گردید. در اوایل سی و پنج یا چهل سالگی در صدد به نظم در آوردن شاهنامه بر آمده و نزدیک به بیست و پنج یا سی و پنج سال از عمر خود را بر سر این کار گذاشت و یک بار نسخه‌یی در سال ۳۸۴ به پایان رسانید و بار دیگر در سال ۴۰۰ هجری قمری تحریری تمام کرد و یک نسخه با مقدمه‌یی و خاتمه‌یی و چندین مدرجه‌ی مندرج در جاهای مختلف کتاب به نام محمود ترتیب داده و به او تقدیم نمود ولی از محمود صله‌یی دریافت نکرد و عاقبت در حدود ۴۱۱ یا ۴۱۶ وفات یافت.
- فردوسی از طبقات دهقانان نجیب زاده شاعر پیشه با معرفت و با کتاب آشنا بود.
- عشق قومی و ملیت پرستی محرک او در سرودن حماسه (شاهنامه) بوده است.
- فردوسی به چند دلیل از سلطان محمود صله دریافت نکرد که دلایل آن عبارتند از:
 ۱. شیعی بودن فردوسی (سلطان محمود سنی می‌باشد)
 ۲. ستایش شاهان ایرانی در صورتی که سلطان محمود بنده زاده‌یی بود و «ندانست نام بزرگان شنود».
 ۳. نام بردن و مدح ابوالعباس فضل بن احمد که در زمان ارائه شاهنامه از وزارت افتاده و احمد بن حسن میمندی وزیر سلطان شده بود.
 ۴. اعتقاد به عقاید معتزله از جمله انکار رویت خدا با چشم سر که اهل سنت به آن معتقد بودند.
 ۵. بدگویی حسودان

ج) کشته شدن سهراب به دست رستم

قالب شعر: مثنوی

معنی و توضیح واژه‌ها و ترکیب‌ها

دوال: تسمه	خفتان: لباس جنگی.	تنگ: مقابل.
بر: سینه.	تهمت: تهم (نیرومند، دلیر و شجاع) تن در	زخم: ضربت.
یال: گردن.	اینجا لقب رستم است.	رزم‌گه: میدان نبرد.
بر کشید: پرورش داد.	بگشت: غروب کرد.	بر نشاید بدن: ماندن شایسته نیست.
آب گون: تیز و برنده.	هشیوار بیست: بیست هوشیار، بیست	نوید: خبر خوش.
سرش خیره گشت: متحیر شد.	مرد عاقل	سخن گفتن گرفتند: شروع کردند به
ار: مخفف اگر.	گو: پهلوان.	سخن گفتن.
خیره: بیهوده.	گردان: پهلوانان	کارزار: میدان جنگ
ایدون: چنانکه.	دشت کین: میدان نبرد.	خسته: زخمی.
نجنبید: تحریک نشد.	تاختند آگهی: به تندی خبر بردند.	کس: هیچ‌کس.
خوار گشت: کشته شد.	میهی: بزرگی، سروری.	پور: فرزند.
مهره: نشان	کوس: طبل جنگی.	خسته روان: دل شکسته.
از در: سزاوار، لایق.	طوس پسر نوذر از سپهسالاران ایرانی.	به هم: با هم.
نماید: نشان دهد	کاووس: پادشاه ایرانی.	زمان: مهلت، عمر.
روز برگشته شد: روزگرم تیره شد.	یارد: یارستن، توانستن.	



مروری بر نکات مهم درس

- معرفی چندین شخصیت شاهنامه در داستان کشته شدن سهراب به دست رستم
- ۱. رستم پهلوان نامدار ایرانی پسر زال سپهسالار ایران در عهد کی کاووس
- ۲. تهمینه: دختر شاه سمنگان، همسر رستم
- ۳. کی کاووس: پادشاه ایران
- ۴. افراسیاب: فرمانروای توران زمین
- ۵. زنده رزم: دایی سهراب به دست رستم کشته شد.
- ۶. طوس: سپهدار ایران در عهد کی کاووس
- ۷. گسته‌م: پهلوان ایرانی فرزند گودرز
- ۸. گودرز: پهلوان ایرانی.

آموزه‌ها و دانش‌های ادبی

۱. دگر باره اسبان بیستند سخت به سربر همی گشت بدخواه بخت
- دگر باره: دوباره، قید تکرار.

نگاه به سر بر: دو حرف اضافه برای یک متمم، حرف اضافه دوم برای تاکید می‌آید و از ویژگی‌های سبک خراسانی است.

- سخت: قید تاکید.

- بدخواه بخت: اضافه وصفی مقلوب بخت بد خواه.

- در بیت آرایه تشخیص (جان بخشی) دیده می‌شود. بخت دور سر آنها می‌چرخید.

◀ **معنی و مفهوم:** دوباره زین و برگ اسب را محکم بستند و در این هنگام بخت شوم دور سرشان می‌گشت.

۲. به کشتی گرفتن نهادند سر گرفتند هر دو دوال کمر

- سر نهادن: کنایه از شروع کردن، مشغول شدن.

◀ **معنی و مفهوم:** هر دو پهلوان به کشتی گرفتن پرداختند و کمر بندهای یکدیگر را محکم به دست گرفتند.

۳. هر آنکه که خشم آورد بخت شوم کند سنگ خارا به کردار موم

- در بیت آرایه تشخیص وجود دارد؛ بخت شوم مانند انسان خشم می‌آورد.

- هر آنکه: قید زمان.

- به کردار: ادات تشبیه.

- بین کلمات «سنگ و موم» آرایه تضاد موجود است.

- در مصرع دوم آرایه تشبیه وجود دارد.

◀ **معنی و مفهوم:** زمانی که بخت شوم به خشم آید، سنگ سخت را چون موم نرم می‌کند. (اگر کسی به سختی سنگ خارا باشد، هر گاه بخت همراه او نباشد شکست خواهد خورد.)

۴. سر افراز سهراب با زوردست تو گفستی سپهر بلندش بیست

- سر افراز سهراب: سهراب سر افراز اضافه وصفی مقلوب.

- در بیت آرایه تشخیص وجود دارد؛ سپهر بلند مانند انسان قوی دست‌های سهراب را بست.

◀ **معنی و مفهوم:** گویی که روزگار دست‌های سهراب قوی پنجه را بست چنان که دیگر نتوانست در برابر حریف کاری بکند. (اشاره به

مغلوب شدن سهراب دارد.)